





عربی عمومی - کنکور سراسری ۹۱

نکارش پاسخ: عمادالدین صالحیان

۲۶. گزینه ی «۱»

«لنحارب»: باید بجنگیم / «الأفكار السيئة والمزعجة»: افکار بد و ناراحت کننده
/ «دائماً»: پیوسته / «حتى تبتسم»: تا لبخند بزند / «لنا»: به ما / «الحياة»: زندگی
توضیح نکته ی درسی:

«ل + فعل مضارع غایب یا متکلم» در اول جمله = باید + مضارع التزامی فارسی

(عربی (۲) و (۳)، صفحه ی ۸۷)

۲۷. گزینه ی «۲»

«الصورة الحسنة»: صورت زیبا، روی زیبا / «لا دوام لها»: هیچ دوامی ندارد /
«فكن ذا سيرة حسنة»: پس نیکوسیرت باش / «ليذكرك»: تا یاد کنند / «بالخير»
به نیکی / «في المستقبل»: در آینده
توضیح نکته ی درسی:

«لا» ی نفی جنس به صورت «هیچ ... نیست (ندارد)» ترجمه می شود.

«ل + فعل مضارع» در وسط جمله (مضارع منصوب) = مضارع التزامی فارسی

(عربی (۲) و (۳)، صفحه ی ۱۵۸)

۲۸. گزینه ی «۳»

«على البخيل أن لا نشتكى»: انسان بخیل نباید شکایت کند / «حياته المحقرة»: زندگی حقیرانه ی خود / «لأنه»: زیرا او / «قد إنتخبها»: آن را انتخاب کرده است
توضیح نکته ی درسی:
اگر در اول جمله، جار و مجرور و پس از آن، فعل منفی بیاید، به صورت «نباید + فعل مثبت» ترجمه می شود.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۲۹. گزینه ی «۲»

«وجدت»: یافتم / «مقالات المجلات الطيبة»: مقالات مجلات پزشکی / «قد كُتبت»: نوشته شده است (ماضی مجهول) / «عوامل»: عواملی / «تسكن»: آرام می کند / «آلام المفاصل»: دردهای مفاصل

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۳۰. گزینه ی «۱»

دو مورد نادرست در ترجمه ی عبارت این گزینه دیده می شود:
«لا يستطيع»: «نتوانسته است»: ترجمه ی صحیح آن: «نمی تواند» / «أن يصرع الحق»: «با حق درگیر شود»: ترجمه ی صحیح آن: «حق را بر زمین زند»
ترجمه ی صحیح عبارت: «باطل هرگز نمی تواند در میدان، حق را بر زمین زند»

(عربی (۲)، صفحه ی ۱۳۶)

۳۱.

گزینه ی «۱»

بیت فارسی می گوید: فردی که در اصل گداست، حتی اگر در ظاهر محترم گردد، باز هم گدایی بیش نیست، لذا مفهوم بیت فارسی چنین است: «اصل و ذات هر چیز مهم و تغییرناپذیر است». این مفهوم در گزینه ی «۱» نیز دیده می شود که می گوید: «از کوزه همان برون تراود که در اوست!»

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ی «۲»: «دشمن با مهربانی کردن، دوست نمی شود!» با بیت سؤال ارتباطی ندارد.

گزینه ی «۳»: «سخن چینان بر زلالی دوستی شان پرواز کردند» با بیت ارتباطی ندارد.

گزینه ی «۴»: «هر کس دریا را بخواهد، آبگیرها را کوچک می شمارد» با بیت سوال ارتباطی ندارد.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۳۲.

گزینه ی «۴»

او تاکنون: «إنه حتى الآن» / دوازده کتاب چاپ کرده است: «قد طبع إثني عشر كتاباً» («إثني عشر» مفعول به و جزء اول آن، منصوب با اعراب فرعی یاء است. / کتاب پنجم او را: «كتابہ الخامس» / در کتابخانه: «فی المكتبة» / دیدم: «شاهدت» / و برای مدت هفت روز: «لمدة سبعة أيام» / به امانت گرفتم: «إستعرتُه»

توضیح نکته ی درسی:

اعداد ترتیبی فارسی (مانند پنجم)، در عربی بر وزن «فَاعِل» (مانند «خامس») ساخته می شوند.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ی «۱»: «طُبعت» فعل مجهول است به معنای «چاپ شده است». معدود «إثنتا عشرة» به صورت جمع (کتاب) آمده که نادرست است.

گزینه ی «۲»: «خمسة كتب» تعریب صحیح «کتاب پنجم» نیست. هم چنین «کان» قد طبع معادل ماضی بعید فارسی (چاپ کرده بود) است. «اليوم السابغ» نیز به معنای «روز هفتم» است.

گزینه ی «۳»: معدود «إثنتي عشرة» به صورت جمع آمده که نادرست است. هم چنین ضمیر «او» در عبارت این گزینه تعریب نشده است. معدود «سبعة» نیز به صورت منصوب (أَياماً) آمده که نادرست است؛ زیرا معدود اعداد «۳ تا ۱۰» به صورت جمع و مجرور می آید.

(عربی (۲)، ترکیبی)

۳۳.

گزینه ی «۴»

در عبارت این گزینه، «كُنَّا نَتَعَلَّم» تعریب نادرستی است؛ زیرا به معنی «می آموختیم» است.

توضیح نکته ی درسی:

«کان + فعل مضارع»: ماضی استمراری فارسی

(عربی (۲)، صفحه ی ۱۳۴)

ترجمه‌ی متن:

زبان عربی، زبانی است که با برخی ویژگی‌های خاص متمایز می‌شود؛ از جمله که اسلوب‌های سخنش و صیاغ عبارت‌هایش با گذر سال‌ها و سده‌ها، دگرگون نشده است. پس آنچه که در دوران کنونی مان می‌خوانیم همان چیزی است که در سده‌های پیش به کار می‌رفت و این امر را به ندرت در زبان‌های دیگر می‌یابیم و یگانه دلیل پیدایش این پدیده همانا فرو فرستاده شدن قرآن کریم به این زبان است. بدیهی است که این، بدان معنا نیست که واژگان تغییر نمی‌کنند بلکه آن‌ها می‌آیند و می‌روند و بزرگ می‌شوند و می‌میرند و زاده می‌شوند و زنده می‌شوند؛ ولی پایه‌ی جمله و کیفیت صیاغ آن از دگرگونی‌ها در امان است. برای پیدایش این پدیده، (نکاتی) سلبی و ایجابی وجود دارد، از جمله (نکات) سلبی آن، تأثیر نپذیرفتن آن (زبان عربی) از زبان‌های دیگر در صیاغ جمله و سازگار شدن با زمان است. ولی از ویژگی‌های خوب آن، مانایی و ساختارش است، از هنگامی که به وجود آمده است. پس نمی‌میرد بلکه رخنه می‌کند و در یاد گوینده‌ی به این زبان، می‌ماند! پس بر این اساس یاددهندگان متن‌های ادبی این زبان باید در ژرفا بخشیدن به آموخته‌های زبانی‌شان، از طریق خواندن کتاب‌های ادبی پیشینیان، تلاش کنند.

گزینه‌ی «۳»

این گزینه می‌گوید: «خواننده‌ی امروزی می‌تواند آنچه را بیش از هزار سال پیش به (زبان) عربی نوشته شده است، بدون احساس مشکل خاصی، بفهمد» که این مطلب با مضمون متن که بیانگر عدم تغییر اسالیب جمله در زبان عربی است، هم‌مفهوم است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «هنگامی که می‌خواهیم آنچه را که قرن‌ها پیش به (زبان) انگلیسی نوشته شده است، بخوانیم و بفهمیم، دشواری خاصی را احساس نمی‌کنیم» که این مطلب، بر پایه‌ی متن و با توجه به تأکید متن بر تغییر قواعد سایر زبان‌ها (به جز زبان عربی)، نادرست است.

گزینه‌ی «۲»: «موضوع دگرگونی دستور زبان و کیفیت صیاغ اسلوب‌های جمله، امری همیشگی و جاری در همه‌ی زبان‌های جهان است» بر پایه‌ی متن که زبان عربی را استثنا نموده است، نادرست است.

گزینه‌ی «۴»: «همان‌گونه که واژه‌ها می‌میرند و زنده می‌شوند، صیاغ جمله‌ها نیز چنین است و این قانون عمومی است که هیچ زبانی از آن خارج (مستثنی) نشده است»، بر پایه‌ی متن که زبان عربی را به دلیل عدم تغییر و دگرگونی، استثنایی بر این قاعده به شمار آورده، نادرست است.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

گزینه‌ی «۲»

براساس متن، یگانه سبب عدم تغییر اساس زبان عربی، نزول قرآن کریم به این زبان است.

به همین دلیل، عرب‌زبانان در زمان حاضر نیز به سادگی قادر به فهم مطالب قرآن هستند.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۳۶

گزینه‌ی «۲»

هنگامی که پایه و صیاغ زبان تغییر کند، پس «متن‌های آن (زبان) که بر آن اساس نوشته شده‌اند، فهمیده نمی‌شوند»، بر پایه‌ی متن، درست است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «... باعث زنده شدن واژه‌های نو و نابودی واژه‌های کهنه می‌شود»، بر پایه‌ی متن، نادرست است.

گزینه‌ی «۳»: «... خواننده‌ی آن مجبور می‌شود که برای فهمیدن اسلوب‌های کهنه هرگز تلاش نکند!»، بر پایه‌ی متن، نادرست است.

گزینه‌ی «۴»: «... باعث می‌شود که صاحبان زبان میراث و فرهنگشان را درک کنند»، بر پایه‌ی متن، نادرست است.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۳۷

گزینه‌ی «۳»

هدف از «ژرفا بخشیدن آموخته‌های زبانی گذشته» چیست؟

لِزوم نیاز مراجعه به کتب دستور زبان پیشینیان و فهمیدن و به کار بردن آن‌ها.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «کامل کردن تلاش‌های دانشوران زبان و آموخته‌هایشان در زمینه‌های زبانی»، بر پایه‌ی متن، نادرست است.

گزینه‌ی «۲»: «گسترش دایره‌ی آموخته‌های زبانی که از دانشوران پیشین به ما می‌رسد» بر پایه‌ی متن، نادرست است.

گزینه‌ی «۴»: «به دست آوردن توانایی‌های لازم برای کوشش جهت فهمیدن تلاش‌های انجام شده در زمینه‌های تاریخی» بر پایه‌ی متن، نادرست است.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۳۸

گزینه‌ی «۴»

حرکت‌گذاری درست همه‌ی عبارت چنین است: «... صِیَاغَةُ عِبَارَاتِهَا لَمْ تَتَغَيَّرْ... فَمَا تَقْرَأُ فِي عَصْرِنَا الْحَالِي هُوَ الَّذِي كَانَ يُسْتَعْمَدُ قَبْلَ قُرُونٍ.»

«صِیَاغَةُ» معطوف به اسم «أَنَّ» و منصوب به تبعیت از آن / «عِبَارَاتُ» مضاف‌الیه و مجرور / «تَتَغَيَّرُ» فعل مضارع مجزوم با سکون / «تَقْرَأُ» فعل مضارع مرفوع / «عَصْرُ» مجرور به حرف جر / «الْحَالِي» صفت برای «عَصْرُ» و مجرور به تبعیت از آن / «يُسْتَعْمَدُ» فعل مضارع مجهول / «قَبْلَ» مفعول‌فیه و منصوب / «قُرُونٍ» مضاف‌الیه و مجرور

توضیح:

با توجه به این‌که عبارت «صِیَاغَةُ عِبَارَاتِهَا...» از وسط یکی از جملات متن، انتخاب و در سؤال تشکیل آورده شده است، لذا اگرچه «صِیَاغَةُ» در ابتدای جمله واقع شده و به ظاهر مبتدا و مرفوع است اما با توجه به جمله‌ی اصلی در متن، این کلمه معطوف به اسم «أَنَّ» و منصوب به تبعیت از آن است.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۳۹

گزینه‌ی «۱»

حرکت‌گذاری درست همه‌ی عبارت چنین است: «هناك سَلْبِيَّاتٌ وِإِيجَابِيَّاتٌ لِبُرُوزِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ فَمِنْ جَمَلَةِ سَلْبِيَّاتِهَا عَدَمُ تَأَثُّرِهَا...»

«سَلْبِيَّاتٌ» مبتدای مؤخر و مرفوع / «إِيجَابِيَّاتٌ» معطوف و مرفوع به تبعیت از معطوف منه (سَلْبِيَّاتٌ) / «لِبُرُوزِ» جار و مجرور / «هَذِهِ» مضاف‌الیه و مجرور محلاً / «الظَّاهِرَةِ» صفت و مجرور به تبعیت / «جَمَلَةِ» مجرور به حرف جرّ «مِنْ»؛ «مِنْ جَمَلَةِ» خبر مقدم از نوع شبه جمله / «سَلْبِيَّاتٌ» مضاف‌الیه و مجرور / «عَدَمُ» مبتدای مؤخر و مرفوع / «تَأَثُّرِ» مضاف‌الیه و مجرور

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)



۴۰.

گزینه‌ی «۲»

«تَمَيَّزُ»: فعل مضارع - للغائبه - مزید ثلاثی من باب «تَفَعَّلَ» - معرب - مبنی للمعلوم - معتلّ و أجوف / فعل و فاعله ضمیر «هی» المستتر و الجملة فعلیّة و نعت و مرفوع محلاً بالتَّبَعِیَّة من المنعوت «لغة»

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۴۱.

گزینه‌ی «۴»

«نجد»: فعل مضارع - متکلم مع الغیر - مجرد ثلاثی - متعدّد - مبنی للمعلوم - معرب - معتلّ و مثال / فعل مرفوع و فاعله ضمیر «نحن» المستتر

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۴۲.

گزینه‌ی «۱»

«متعلّی»: اسم - جمع سالم - مذکر - مشتق و اسم فاعل (مصدر: تعلّم) - معرفّ بالإضافة - معرب - منصرف - صحیح الآخر / مجرور بحرف جر با اعراب فرعی «باء» حذف «ن» آخر آن به‌خاطر اضافه شدن است.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۴۳.

گزینه‌ی «۴»

«لاتنسی» در اصل «لاتنسین» (للمخاطبة) بوده که با «ن» اعراب مجزوم شده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «لنستفید» نادرست است؛ «لنستفد» درست است.

گزینه‌ی «۲»: «لم يدعو» نادرست است؛ «لم يدع» درست است.

گزینه‌ی «۳»: «لم يمشوا» نادرست است؛ «لم يمشوا» درست است.

در هر سه گزینه‌ی بالا حرف عله باید حذف شود.

(عربی (۳)، صفحه‌های ۴۲، ۵۲، ۵۳ و ۵۵)

۴۴.

گزینه‌ی «۱»

در این گزینه «منّح» فعل مجهول است، بنابراین «صدیق» نائب فاعل است.

یکی از بهترین راه‌ها برای یافتن فعل مجهول، ترجمه‌ی جمله است.

ترجمه‌ی این گزینه: «جایزه‌ای به دوستم داده شد چراکه دانش‌آموز نمونه‌ای است.»

در سایر گزینه‌ها، «صدیق» به‌ترتیب فاعل، مفعول به و اسم افعال ناقصه است.

(عربی (۲)، صفحه‌های ۹۲ و ۹۴)

۴۵.

گزینه‌ی «۴»

«لونها کلون العسل» خبر از نوع جمله‌ی اسمیه است برای فعل «كانت».

ترجمه‌ی این عبارت: «شن‌ها در صحرا هنگام برآمدن خورشید، رنگشان مانند رنگ عسل است.»

توضیح نکته‌ی درسی:

خبر، کلمه یا عبارتی است که با آن، معنای جمله کامل می‌شود.

(عربی (۲)، صفحه‌های ۱۸ و ۱۵۳)

۴۶.

گزینه‌ی «۳»

درباره‌ی «لا»ی نفی جنس به ۳ نکته باید دقت کرد:

۱- خبر آن هیچ‌گاه بر اسمش مقدم نمی‌شود. ۲- اسم آن نکره است. (ال و مضاف الیه نمی‌پذیرد). ۳- اسم آن مبنی بر فتح است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: خبر «لا» (هناک) بر اسم آن (أحد)، مقدم شده؛ پس نادرست است.

گزینه‌ی «۲»: اسم «لا» (الکتاب) معرفه است؛ پس نادرست است.

گزینه‌ی «۴»: اسم «لا» (ضيوف) معرفه است، پس نادرست است.

(عربی (۲)، صفحه‌ی ۱۵۳)

۴۷.

گزینه‌ی «۴»

پرسش از ما جمله‌ی وصفیه می‌خواهد؛ «جمله‌ی وصفیه»، جمله‌ی اسمیه یا فعلیه‌ای است که پس از یک اسم نکره می‌آید و آن اسم نکره را توصیف می‌کند. در این گزینه، «حفلة» اسم نکره و جمله‌ی فعلیه «لن أنساها» جمله‌ای است که آن را توصیف می‌کند.

(عربی (۲)، صفحه‌ی ۱۷۴)

۴۸.

گزینه‌ی «۳»

مصدرهای منصوب نظیر: حقاً، جداً، حمداً و ... هرگاه در جمله نقش اصلی دیگری نداشته باشند، مفعول مطلق و منصوب هستند. در این گزینه، «حقاً» مفعول مطلق و منصوب است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «كلاماً» خبر «كان» و منصوب، «نافعاً» صفت و منصوب و «دائماً» مفعول فیه و منصوب است.

گزینه‌ی «۲»: «حقاً» در این‌جا مفعول به برای فعل «يطالب» است.

گزینه‌ی «۴»: «صبراً» مفعول به دوم برای فعل «يهب» و «جسلاً» صفت و منصوب است.

(عربی (۳)، صفحه‌ی ۷۷)

۴۹.

گزینه‌ی «۴»

در این گزینه، حال وجود ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «منتظرین» حال مفرد و منصوب و صاحب آن، ضمیر «نا» است.

گزینه‌ی «۲»: «مستعجلین» حال مفرد و منصوب و صاحب آن، «المسافرون» است.

گزینه‌ی «۳»: «و هم يرجون ...» جمله‌ی حالیه و محلاً منصوب و صاحب آن، «الشباب» است.

(عربی (۳)، صفحه‌های ۱۰۴ و ۱۰۵)

۵۰.

گزینه‌ی «۱»

در سه گزینه‌ی دیگر مستثنای مفرغ به‌کار رفته است، زیرا در این گزینه‌ها، عبارات بعد از «إلّا» بدون در نظر گرفتن «إلّا» از اجزای اصلی جمله به‌شمار می‌روند. ولی گزینه‌ی «۱» مستثنا، تام است زیرا مستثنی‌منه در جمله حضور دارد. («وعاء» اول مستثنی‌منه است).

(عربی (۳)، صفحه‌های ۱۳۸ و ۱۴۰)